

۸۰۰۰ روایت از ورزش ایران

فوتبال

از دربی جنجالی سال ۷۹ تا امروز، ایران ورزشی همواره همراه فوتبال ایران بوده؛ از بازی تاریخی برابر آرژانتین در جام جهانی ۲۰۱۴ و پیروزی ارزشمند مقابل مراکش در ۲۰۱۸ تا حسرت صعودی که برابر پرتغال کامل نشد.

این روزنامه در کنار روایت لحظه‌های غرور، گاه شمشیری انتقادی هم داشته؛ مثل تیتیر تند و به‌یادماندنی «موتور گازی به جای بنز» در زمان منتشر شدن شایعه حضور مربی ایرانی در تیم ملی به جای کی‌روش پس از جام جهانی ۲۰۱۴. مردم شریک شده، مانند زمان درگذشت ناصر حجازی، اسطوره‌ای که ایران ورزشی بارش سنگ‌تمام گذاشت.

ویژه‌نامه‌های مفصل برای جام جهانی برزیل، المپیک توکیو و دیگر رویدادهای بزرگ، بخشی از کارنامه‌ای است که با همراهی برجسته‌ترین نویسندگان ورزشی کشور شکل گرفته، کارنامه‌ای درخشان که کمتر رسانه‌ای در سه دهه اخیر توانسته به چنین استمرار و کیفیتی دست یابد. اکنون ایران ورزشی به شماره تاریخی ۸۰۰۰ رسیده؛ ایستگاهی مهم در مسیری پرپار که همچنان ظرفیت ادامه دارد و می‌تواند سال‌های سال همراه ورزش ایران بماند.



الیسا بهزاداول
خبرنگار

در اردیبهشت ۱۳۷۵ رسانه‌ای متولد شد که امروز، پس از نزدیک به سه دهه، به یکی از ستون‌های اصلی مطبوعات ورزشی ایران بدل شده است؛ اگر پیگیر خبرهای ورزش باشید، بعید است نام «ایران ورزشی» در مسیرتان قرار نگرفته باشد. روزنامه‌ای که از نخستین روز انتشار، در تمام بزنگاه‌های مهم ورزش کشور حضور داشته و همگام با ورزش ایران پیش آمده، گاه در قامت ستایشگر افتخارآفرینی ورزشکاران و گاه در نقش منتقد جریان‌های مؤثر ورزش.

در حافظه اهالی ورزش، برخی تیتیرهای ایران ورزشی به نضاد تبدیل شده‌اند؛ همان روزی که انتقام مقدمانی جام جهانی ۲۰۰۲ گرفته شد و پس از برد برابر بحرین، ایران ورزشی برای جشن خیابانی مردم نوشت: «گرچه از قفس پرید». یا وقتی در المپیک پکن، هادی ساعی نوار ناگامی‌ها را پاره کرد و تیتیر «فرشته طلایی ایران» بر صفحه یک نشست. در ریبو نیز تصویر قهرمانی حسن یزدانی با تیتیر ماندگار «بلنگ ایران» به ده‌ها رسید، نشانه‌ای از توجه ایران ورزشی به همه ورزشکاران، فراتر از

ادای احترام به ۸۰۰۰ روز روایتگری ایران ورزشی

هنوز می‌توان نوشت...



فرخ حسینی
روزنامه‌نگار

وقتی سال ۱۴۰۰ وارد ایران ورزشی شدم، پشت سرم ۱۷ سال تجربه در تحریریه‌های مختلف بود، اما چیزی که اینجا دیدم با تمام آن سال‌ها فرق داشت. در دوره‌ای که روزنامه‌ها یکی یکی خاموش شدند و بسیاری‌شان فقط به «جلد» تقلیل یافتند، ایران ورزشی هنوز زنده بود، زنده به معنای واقعی کلمه. تحریریه‌ای که هنوز نفس می‌کشد، هنوز

روایتی متفاوت از تحریریه‌ای که حکم خانه را دارد

لوکیشنی به نام ایران ورزشی



سینا حسینی
روزنامه‌نگار

ایران ورزشی فقط یک روزنامه نیست؛ انگار صحنه اصلی یک فیلم بلند است. فیلمی که سال‌هاست دوربینش روشن مانده، پشت‌صحنه ندارد و بازگراش هر روز از نو نقش می‌گیرند، بی‌آنکه تیتراژی برایشان بسته شود.

صحنه اول:

هوا صبح، بوی کاف، نور تند مهتابی‌های راهروی مؤسسه. دوربین آرام از کنار میزها رد می‌شود؛ همان میزهایی که همیشه شلوغ هستند، با کاغذهایی که هنوز هم یادداشت‌های دست‌نویس رویشان دیده می‌شود. صدای تق‌تق کیبورد می‌آید؛ صدایی شبیه تپش قلب. قصه از همینجا شروع می‌شود؛ جایی که خانواده ایران ورزشی مثل گروه تولید یک فیلم بی‌پایان، هر روز دنبال ساختن محصولی متفاوت‌اند تا سخت‌گیرترین تماشاگرها را هم غافلگیر کنند.

عوض می‌کرد، روزهایی که آینده همه مبهم بود. و البته روزهایی تلخ‌تر مثل وقتی که همکارانی جدا شدند و رفتند، مهاجرت کردند یا مثل مرحوم وصال روحانی، برای همیشه از میان ما رفتند. وصال مردی بود پراز سواد، معرفت و مهربانی... و فقدانش هنوز در اتاق تحریریه ایران ورزشی حس می‌شود.

حالا در بیست و یکمین سال فعالیت رسانه‌ای‌ام، خوشحالم که کنار خانواده ایران ورزشی، ۸۰۰۰ شماره از حیات یک روزنامه را می‌بینم، روزنامه‌ای نزدیک ۲۰ ساله که هنوز

ایستاده است. ۸۰۰۰ روز یعنی ۸۰۰۰ روایت از

بحران‌ها و نوسان‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی که به خود دیده، دوام یک روزنامه ورزشی برای سه دهه، چیزی شبیه معجزه است. شاهکاری انسانی که پشت آن فقط یک چیز ایستاده: تعهد و فداکاری. تعهد جمعی که از تحریریه گرفته تا فنی، همگی پای کار ایستادند تا رسانه‌ای پویا شکل بگیرد و حیات خود را ادامه دهد.

شماره ۸۰۰۰ ایران ورزشی برای من چیزی فراتر از عدد است. این شماره اثبات این است که هنوز می‌توان نوشت، هنوز می‌توان جنگید و هنوز می‌توان زنده ماند.

ورزش ایران و جهان، یعنی ثبت شادی‌ها، اشک‌ها، صعودها، سقوط‌ها و لحظه‌هایی که بخشی از حافظه جمعی ما شده‌اند.

این روزها بسیاری از مردم از مرگ روزنامه کاغذی می‌گویند، اما هنوز نشریات بزرگ ورزشی مثل گاتزا دلواسپورت با بیش از ۱۲۵ سال سابقه و مارکای اسپانیا با بیش از ۸۵ سال قدمت، با روزنامه کاغذی خود زنده و پرخوانده‌اند و در عین حال در فضای سایبری نیز پرمخاطبند. ایران ورزشی پیش این روزنامه‌های معتبر جهان، مثل یک جوان خام است اما در کشور ایران، با همه



سکانس بعد:

اتاق فنی؛ نور نرم، صدای ماوس و گرافیک‌هایی که مثل تدوینگرهای حرفه‌ای هر روز صفحات ایران ورزشی را می‌بندند؛ حامد حسینی، مرتضی طهوری، علی عباسی و مجتبی حسین مرشدی و البته محسن ذاکری؛ کارگردانی که سال‌ها تیتراژ این بخش را بسته و حالا به لوکیشن روزنامه ایران رفته تا صفحه یک آن فیلم را بسازد.

اتاق تصحیح؛ سکوت، چهار نفر نشسته‌اند با چشمانی برق‌زنده؛ مسعود قراقرزلو، فرشته معتمدی، سیدزهرآزما و علی اصغر قاسمی. شکارچی‌های غلط؛ همان‌هایی که اگر هم گاهی اشتباهی از دست‌شان در برود، چیزی از ریم فیلم کم نمی‌کند.

صحنه عکاسی؛ سه قهرمان پشت دوربین؛ رضا معطریان، سجاد صفری و حسین نقی‌زاده. قاب‌ها را می‌گیرند، لحظه‌ها را فریز می‌کنند، جان تصویرها را می‌سازند. کنارشان دو همراه قدیمی؛ رضا سعیدی‌پور و پیام پارسایی؛ مثل دو

بازنگر میهمان که انگار همیشه در فیلم

بوده‌اند.

سکانس بعد:

اتاق شبکه‌های اجتماعی. نور صفحه موبایل‌ها روی صورت دو نفر افتاده؛ بهزاد بیرانوند، مجید سلطانی. اینها صدای بیرونی تحریریه‌اند؛ بلندگوهایی که روایت را از

دیوارهای تحریریه بیرون می‌برند.

دوربین یک نمای باز از شهرستان‌ها؛ خبرنگارهایی که شاید در لوکیشن‌های دورتر فیلم بازی می‌کنند، اما ضرباهنگ روایت بدون آنها کامل نمی‌شود؛ حبیب چرندابی، جواد رستم‌زاده و خیلی‌های دیگر.

و بالاخره...

صحنه جشن:

هشت‌هزارمین شماره روی میز است. هشت‌هزار بار تولید، هشت‌هزار بار نور، دوربین، حرکت. ایران ورزشی خودش را مدیون تمام بازیگران قدیمی و جدید این فیلم می‌داند؛ کسانی که جوانی‌شان را پای این روایت گذاشتند.

آخرین نما:

دوربین عقب می‌رود، نور کم می‌شود، اما تیتراژ نمی‌آید.

راوی آرام می‌گوید: «فراموش نکنید... ما هنوز در صحنه‌ایم. هنوز کنار شما. قصه ادامه دارد.»



خانواده ایران
ورزشی مثل
گروه تولید یک
فیلم بی‌پایان،
هر روز دنبال
ساختن
محصولی
متفاوت‌اند تا
سخت‌گیرترین
تماشاگرها را هم
غافلگیر کنند

یادداشت



فاطمه مهاجرانی
سخنگوی دولت چهاردهم

ایران ورزشی، روزنامه اثرگذار

سه دهه روایت ورزش ایران، امروز به ایستگاهی مهم رسیده است. انتشار هشت‌هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی، فرصتی مغتنم برای قدردانی از تلاش مستمر مدیران، خبرنگاران، عکاسان و همه دست‌اندرکاران این رسانه تخصصی است که طی سال‌ها، همراه و راوی صادق فرار و فرودهای ورزش کشور بوده‌اند. روزنامه ایران ورزشی به عنوان نخستین رسانه ورزشی وابسته به دولت، در طول نزدیک به سه دهه فعالیت مستمر، نقشی اثرگذار در شکل‌دهی به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای ورزش، روایت متصفانه تحولات این حوزه و همراهی با جامعه ورزش کشور ایفا کرده است. رسیدن به شماره هشت‌هزار و قرار گرفتن در آستانه سی‌سالگی انتشار، نشان‌دهنده سرمایه انسانی ارزشمند، تداوم حرفه‌ای و اعتماد مخاطبان به این روزنامه است. در این مسیر، توجه به موفقیت‌ها و نقش آفرینی زنان، چه در عرصه ورزش قهرمانی و همگانی و چه در حوزه رسانه و روزنامه‌نگاری ورزشی، از وجوه قابل‌تقدیر عملکرد ایران ورزشی بوده است؛ زنانی که با پشتکار، تخصص و انگیزه، سهمی مهم در افتخارآفرینی‌های ملی و ارتقای جایگاه ورزش ایران داشته‌اند و تصویر روشن‌تری از ظرفیت‌های جامعه ایرانی ارائه کرده‌اند. امید است روزنامه ایران ورزشی با اتکا به تجربه گران‌سنگ گذشته و نگاه مستولانه به آینده، همچنان در مسیر ارتقای فرهنگ ورزشی، تقویت سرمایه اجتماعی و انعکاس دقیق و متصفانه دستاوردهای ورزشکاران کشور، بویژه زنان و جوانان، موفق و اثرگذار باشد.

یادداشت



علی جوادی
سردبیر ایران ورزشی

خبرنگارانی که شریف ماندند

روزی مرحوم عطا بهمنش به من گفت با باید خبرنگار شوی یا کاسب.

می‌گفت راه سومی وجود ندارد. اگر کاسب شوی آبادی؛ ولی رازها و جذابیت‌های خبرنگاری را در نمی‌بانی... و اگر خبرنگار شوی، لذت می‌بری؛ اما حساب بانکی‌ات برای همیشه خالی خواهد بود.

این روزها کاملاً درکش می‌کنم. فاصله این دو سو و تفاوت جهان‌بینی دو طرف، آنقدر فراوان است که نمی‌شود

تجمیمش کرد. ما خبرنگاری را انتخاب کردیم. با همه چالش‌ها، جاذبه‌ها و سختی‌هایش؛ اما پاسخی در خور عشق و هیجان‌مان دریافت نکردیم. به قول آگروپری، عمری پی دوست گشتیم، به ایجاد علاقه فکر کردیم، ورزش را درگون خواستیم و متفاوت تفسیرش کردیم. می‌دانستیم جز با چشم دل نمی‌شود «خوب» دید.

خواستیم دل جامعه ورزش را روشن کنیم و می‌دانستیم عمق مسئولیت‌مان تا چه اندازه است. نوشتیم تا شاید تغییری را شاهد باشیم. خطایی را لاک بگیریم و فکرهای

مسموم را دور کنیم. همکاران‌مان در این سال‌ها این گونه بودند... همه «خبرنگاری» را انتخاب کرده بودند. آنها در لوح سفید ضمیرشان، ورزش را سربلند و پرافتخار نوشتند. پاکی را برگزیدند تا رد پای ماندگار بر صفحه ورزش کشور ثبت کنند.

همکاران من که «ایران ورزشی ۳۰ ساله»، شاهکار وجود نازنین آنهاست، در این مدت، برای آگاهی جامعه، عیب‌یابی مسیر مدیران، دیوارکشی بین هنجارها و ناهنجاری‌ها و اصلاح مسیر ورزش کشور، از جان‌شان مایه گذاشتند. ایران ورزشی با همین خون دل‌ها و مراقبت فراوان برای مقدس ماندن قلم نویسندگان به شماره ۸۰۰۰ رسید. روح همه همکاران آسمانی‌مان در آرامش ابدی و وجود همه همکاران‌مان از هرگزند، مصون باد. خبرنگارانی که شریف بودند و شریف ماندند. آنقدر شریف که پذیرفته‌اند بی‌مهری زمانه به وجود محترم‌شان تازیانه بزنند؛ اما غباری به وجود ورزش ننشیند.

